

علی احمد جلالی^۱

معاملات جدید تسلیحاتی به‌عنوان وسیله‌ای در تثبیت همکاری‌های در حال رشد روسیه و ایران و در برهه زمانی همسویی منافع ملی هر دو کشور دیده می‌شود. تحت تأثیر عوامل عمدتاً فراملی، این همگرایی تأکید شدیدی بر موضوعات سیاسی و امنیتی قابل است. این امر مستلزم پاسخی هماهنگ در چالش‌هایی همچون نفوذ آمریکا در منطقه و گسترش افراط‌گرایی دینی و بی‌ثباتی ناشی از حکومت طالبان در افغانستان بود. این همکاری بر پایه نیازهای مشترک و کوتاه‌مدت متکی است که بر اختلافات دو جانبه اغلب دیرپای و نهایی فایز آید. بنابراین همکاری یادشده در معرض تغییرات تازه‌ای در منطقه و همچنین تغییرات تعاملات این دو کشور بر گروه‌های ثالث است. آشتی محتمل ایران با ایالات متحده می‌تواند تغییری قابل ملاحظه در ماهیت روابط تهران - مسکو ایجاد کند؛ همانطور که این تغییر می‌تواند در معامله سودبخش متقابل بین مسکو - واشنگتن رخ دهد. این مقاله به جنبه‌های مختلف همکاری همه‌جانبه روسیه - ایران و تأثیر آن بر منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت سیاسی و اقتصادی دو کشور می‌نگرد و علاوه بر آن شدت عواملی که دو ملت را وارد یک همگرایی منطقه‌ای می‌کند و عوامل دیگری که می‌تواند آنان را در دو سمت مخالف مسایل آینده قرار دهد مورد مطالعه قرار می‌دهد.

از پاییز سال ۲۰۰۰ زمانی که مسکو اعلام کرد که فروش اسلحه به جمهوری اسلامی ایران از سر گرفته و همکاری فناوری را توسعه خواهد داد، روابط روسیه - ایران به‌شدت مورد توجه محافل بین‌المللی قرار گرفته است. این تصمیم به توافق ۱۹۹۵ گور - چرنومیردین که طی آن مسکو متعهد شده بود تجهیزات نظامی به ایران بفروشد را پایان بخشید. همگرایی مسکو - تهران پس از دیدار رسمی حجت‌الاسلام

۱. علی احمد جلالی پژوهشگر افغانی مقیم آمریکا است. این مقاله از مجله پارامتر، فصلنامه دانشکده جنگ آمریکا، زمستان ۲۰۰۲، توسط آقای علی اصغر جمالی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

سیدمحمدخاتمی رئیس جمهور ایران به روسیه در مارس ۲۰۰۱ دور تازه‌ای پیدا کرد. خاتمی امیدوار بود که در این رویداد «بهار تازه‌ای» در همکاری بین دو کشور آغاز گردد. در آخرین اقدام در دوم اکتبر ۲۰۰۱ روسیه موافقتنامه‌ای امضا کرد که به ایران سالانه تا سقف ۳۰۰ میلیون دلار تسلیحات متعارف بفروشد.

نیاز ایران برای بازسازی نیروهای متعارف خود پس از خاتمه جنگ با عراق (۱۹۸۹) جمهوری اسلامی را در پیوند با خرید تسلیحات نظامی نزدیکتر با روسیه تشویق کرد. این رابطه در طول دهه پایانی قرن گذشته همچنانکه رقابت بین‌المللی بر سر نفوذ در منطقه شدت یافت به صورت همکاری‌های گسترده‌تری توسعه یافت. تهران و مسکو با الهام از دیدگاههای جهانی مشابه، در مسایل متعددی به‌رغم وجود تضاد منافع در پاره‌ای از حوزه‌های دیگر، با یکدیگر همکاری کردند.

سابقه

روابط تاریخی بین ایران و روسیه با مناقشه همراه بوده است. قرن‌ها تمایلات رقابت‌آمیز آنها در مرزهای در حال دگرگونی، و همچنین طرح روبه جنوب سلسله‌های تزارهای روسیه روابط بین دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. قرن ۱۹ سرزمین بالارزشی از ایران را تصرف کرد و ایران از رقابت روسیه با سایر قدرتهای بیگانه بر سر کسب قدرت در این کشور در نیمه اول قرن بیستم رنج بسیار برد. روابط ایران - روسیه در دوران جنگ سرد تحت تأثیر اتحاد جهانی نیروها در یک نظام ژئوپلیتیک دوقطبی قرار داشت. ایران که متحد غرب بود، در مقابل همسایه شمالی خود شوروی قرار گرفت و درگیر رویارویی ایدئولوژیک شرق - غرب بود.

انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ شکاف ایدئولوژیکی را به طریق تازه‌ای گسترش داد. ایالات متحده و اتحاد شوروی از نگرش کلی و جهانی «نه شرقی - نه غربی» ایران بد شمرده می‌شدند. اما با این حال، سیاست خارجی جبهه‌گیرانه ایران گرایش عمل‌گرایانه‌تری به خود گرفت پس از این که واقعیت‌های روابط بین‌الملل و چالشهای داخلی گرایش جنگ‌طلبانه کشور

را تضعیف کرد. ایران سرانجام تصمیم گرفت تا روابط خود را با کشوری که «کمتر شیطان» بود با امضای یک پروتکل اقتصادی گسترده با مسکو در ۱۹۸۶ بهبود بخشد، با این امید که این حرکت، کرملین را از ادامه کمک به عراق که در آن زمان درگیر جنگی خانمانسوز با جمهوری اسلامی بود باز دارد. مسکو انتظار داشت که روابط بهتر با تهران موجب شود تا رژیم مذهبی ایران را تشویق کند که چشم خود را نسبت به مداخله شوروی در افغانستان فرو بندد. این توافقها به دنبال دیدار آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت ایران از مسکو صورت گرفت، که منتج به معامله تسلیحاتی عمده‌ای شد که پیوندهای دوجانبه و اعتماد متقابل را تحکیم بخشید.^(۱)

تغییرات ژئوپلیتیکی پس از دوران جنگ سرد زمینه سیاسی و انگیزه‌های استراتژیک برای همکاری گسترده‌تر ایران - روسیه را فراهم کرد. نگاه تهران و مسکو هر دو تحت تأثیر برخوردهای بین یکپارچگی جهانی و ملیت‌خواهی (ملی‌گرایی)، قرار داشت و توجه خاص را از بینش‌های جهانی به بینش‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای معطوف کرد. این حرکت اغلب به صورت خواسته هر دو کشور برای ایجاد یک نظم بین‌المللی چندقطبی متجلی می‌شود، به این منظور که با نظام تک‌قطبی سلطه‌جو - یعنی ایالات متحده مقابله کند.^(۲)

سیاست‌های جغرافیایی در حال تغییر

روسیه تغییرات پس از جنگ سرد ناتو را با سوءظن نگریسته است. در آغاز ناتو که یک همگرایی امنیتی علیه بلوک کمونیست بود، نه تنها موجب فروپاشی پیمان ورشو که یک رقیب محسوب می‌شد گردید بلکه نقش سیاسی و نظامی خود را توسعه و عضویت خویش را نیز گسترش داد. بسط ناتو به شرق، همراه با مأموریت بازنگری شده آن، این سازمان را درگیر اقدامات نظامی در «حوزه‌های محیطی - حاشیه‌ای» ناآرامی می‌کند که ممکن است منطقه عملیات اتحادیه را به سرزمین روسیه بکشاند. تحلیلگران و سیاستمداران کلیدی روسیه به این مسأله به عنوان یک رقابت ژئواستراتژیک بین یک قدرت محدود و یک قدرت قاره‌ای در نظام دوقطبی ژئوپلیتیکی می‌نگرند. یک تحلیلگر روسی^(۳) «گسترش ناتو به شرق و جنوب شرقی» ناتو

در داخل «هارتلند» اوراسیا را یک ابزار جدید توسعه ایالات متحده می‌نامد.

چنین نگرانی‌هایی توسط به اصطلاح ملی‌گرایان و کمونیست‌های «اوراسیایی» در پارلمان روسیه بر زبان آمده است. این احزاب در دوامی روسیه تسلط داشته و از سیاست مستقل خارجی ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه پشتیبانی می‌کنند.

غم‌زدگی نسبت به از دست دادن ابرقدرتی روسیه و فضای ژئوپلیتیکی ابتر آن باعث شده تا به برداشت ژئواستراتژیک درون‌نگری که بقای روسیه را در این می‌داند که به عنوان قدرتی بزرگ و یگانه در داشتن نفوذ در داخل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (سی.آی.اس) بماند قوت بخشد یعنی منطقه‌ای که «هارتلند» اوراسیایی هالفورد مکیندر^(۴) را شامل می‌شود.

دانشجویان نظریه‌های کلاسیک ژئوپلیتیک ممکن است این موضوع را یک چرخش نظری جالب توجه از عقیده «مهار» قرن گذشته که بر پایه نظریه^(۵) «سرزمین حاشیه‌ای-ریملند» نیکلا اسپایکمن استوار بود بدانند. این مفهوم استراتژیک خواهان این بود که فشارگریز از مرکزی که به وسیله قدرت قاره‌ای (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) که در مرکز «هارتلند» اوراسیایی قرار داشت و به محیط خود وارد می‌کرد را مهار کنند.

نظریه‌هایی که هارتلند اوراسیایی را به صورت «سکوی پرتاب یک جنبش جهانی ضدغربی» می‌بینند و هدف آنها بیرون راندن نهایی «نفوذ اطلس از اوراسیا» می‌باشد به تازگی چشم بسیاری از فرهیختگان روسی را گرفته است.^(۶) اخیراً یک کمیته مشترک از رهبران نظامی روسیه و بلاروس، یک واکنش مشترک اوراسیایی علیه تهدیدات پیرامونی منطقه، شامل آنهایی که از گسترش ناتو در اروپا به سوی شرق سرچشمه می‌گیرند، جنگ‌های داخلی و درگیری‌های قومی در قفقاز، و تهدیداتی که از افراط‌گرایی دینی ناشی می‌شوند، تجارت مواد مخدر، و تروریزم در آسیای مرکزی^(۷) مفروض داشتند. در اکتبر ۲۰۰۰، همین مناطق تهدید توسط اعضای پیمان امنیت دستجمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به رهبری مسکو تشکیل می‌شد به منظور اقدام مشترک توسط اعضا شناخته شد^(۸) تقویت فرآیند ایجاد یکپارچگی و ائتلاف در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به عنوان تقدم اول در استراتژی ملی

روسیه منظور شده است.^(۹) این امر مبین سیاست خارجی تهاجمی روسیه با هدف استقرار نفوذ خود در آسیای مرکزی و قفقاز و تلاش آن برای ایفای نقش بالاتر در خاورمیانه است. اخیراً مسکو ایران را به صورت یک متحد ارزشمند در واکنش به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و یک شریک در مخاطرات سیاسی و استراتژیک گسترده‌تر می‌بیند. هر دو کشور با گسترش ناتو به سمت شرق مخالفت کرده و مداخله ناتو در نقاط بحرانی جهان بدون موافقت آشکار و حکم سازمان ملل را مردود دانسته‌اند. دکترین جدید نظامی روسیه به ناتو به عنوان منشاء ناآرامی بین‌المللی نگاه می‌کند.^(۱۰)

از سوی دیگر، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی ایران متأثر از موقعیت مرکزی این کشور در میان مناطقی است که در آنها رقابت شدید قدرتهای منطقه‌ای و خارجی بر سر نفوذ سیاسی و اقتصادی وجود دارد. منطقه مورد علاقه مستقیم ایران که از آسیای مرکزی و افغانستان تا جبهه رویارویی اعراب - اسرائیل امتداد دارد، دچار ناآرامی است. ایران خود را در معرض تهدیدات امنیتی از سوی عراق و افغانستان و همچنین احتمال سرریز ناشی از ناآرامی‌های قفقاز احساس می‌کند. در نتیجه تهران رویکردی عملی در سیاست خارجی خود اتخاذ می‌کند. با این حال ایران با منحرف کردن چالش‌هایی که با آن روبرو است به‌طور قابل ملاحظه‌ای در به‌کارگیری روندهای اعتقادی، اقتصادی، استراتژیک، یا ملی‌گرایانه‌ای در رفتار خود با کشورهای مختلف و مسایل گوناگون به‌طور انتخابی عمل می‌کند. تهران این را مناسب می‌داند که به روسیه در مهار جنبش افراط‌گرایان اسلامی و حفظ پیوندهای نزدیکتر با کشور غیرمسلمان ارمنستان که با همسایه شیعه خود یعنی جمهوری آذربایجان اختلاف دارند بپیوندد. از سوی دیگر وضعیت ضداسرائیلی و پشتیبانی ایران از گروه‌های اسلامی بنیادگرا موجب شده که این کشور همچنان ایدئولوژیک، اسلامی و انقلابی باقی بماند. تلاش ایران بر این است که ادعای جمهوری اسلامی ایران در مورد رهبری در منطقه‌ای که در آن سیاست ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای بدنام می‌شود مشروعیت پیدا کند.

ایران در مرکز منطقه‌ای قرار دارد که منابع انرژی زیادی در آن است و مسیر صادرات نفت

به بازار خارج را کنترل می‌کند. با کنترل منطقه‌ای که بین خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد، ایران توان بالقوه آن را دارد که یک نیروی سیاسی عمده، یک قدرت شکن، و یک قدرت اقتصادی در منطقه گردد. اما خواسته جغرافیایی ایران وسیله موانع ژئوپلیتیک عقیم می‌ماند، قدرت سیاسی - اقتصادی ایران اخیراً گرفتار پیچیدگی‌های سیاست داخلی و انزوای بین‌المللی آن به سبب روابط ضعیف با غرب شده است.

ایران مشارکت با روسیه را راهی برای رهایی از انزوای تحمیلی ایالات متحده و تنوع بخشیدن به گزینه‌های اقتصادی در خارج از منطقه می‌بیند. روسیه به نوبه خود، نگرانی‌های واشنگتن در مورد مخالفت ایران با صلح در خاورمیانه و پشتیبانی از تروریسم را ندارد و نه این که روسیه بر ترس آمریکا - اسرائیل درباره توسعه فعالیت ایران در زمینه جنگ‌افزارهای کشتار جمعی صحنه می‌گذارد.

علاقه‌های مشترک و تضاد منافع

روابط اخیر ایران و روسیه تحت تأثیر سه دسته از عوامل قرار دارد:

- علاقمندی‌های امنیتی مشترک؛

- انگیزه‌های تجاری و منافع سیاسی دوجانبه؛

- و تضاد بالقوه منافع؛

اولین دسته از این عوامل در ماهیت استراتژیک است و متمایل به تغییر باج‌بجایی‌ها در واقعیت‌های استراتژیک می‌باشد. دسته دوم یک رابطه مبنی بر تشریک مساعی را تسهیل می‌کند، یک افزایش قابل ملاحظه در پیوندهای تجاری دوجانبه می‌تواند به یک مشارکت پُر دوام و باثبات تر کمک کند. اما انتظار می‌رود که دسته سوم این عوامل همکاری ایران - روسیه را دچار دردسر نماید.

روسیه و ایران در تلاشی مشترک سعی کرده‌اند تا نفوذ ایالات متحده و متحدین آن (ترکیه و اسرائیل) را در آسیای مرکزی و قفقاز محدود کرده و افراط‌گرایی دینی طالبان در

افغانستان را مهار کنند. همکاری ایران با روسیه و ارمنستان توسط ایران و روسیه به صورت واکنشی استراتژیک در قبال تلاش‌های ایالات متحده در توسعه نفوذ در منطقه از طریق مناسبات نزدیک آمریکا با ترکیه، گرجستان، آذربایجان و ازبکستان، دیده می‌شود. این همسویی قطب‌بندی شده نیروها همچنین بخشی از سیاست خط لوله است، که محور شمال-جنوب را به جنگ دالان شرق-غرب می‌اندازد. همکاری ایران-روسیه همچنین به عنوان یک تضمین امنیتی دوجانبه به کار گرفته می‌شود که هم پشتیبانی ایران از آشفتگی‌های اسلام‌گرایانه در روسیه (شامل چچن و داغستان) دفع کرده و هم روسیه را از معامله با واشنگتن به هزینه ایران دلسرد می‌کند.

هر دو کشور به منافع سیاسی و اقتصادی این همکاری نیز می‌نگرند. فروش اسلحه و راکتور هسته‌ای به ایران به تأسیسات نظامی-صنعتی روسیه که دچار کمبود نقدینگی است کمک می‌کند، در حالی که ایران فن‌آوری مدرن لازم را که از منابع دیگری نمی‌تواند تهیه کند به دست می‌آورد. علاوه بر آن، همکاری روسیه با ایران، به جاه‌طلبی مسکو کمک می‌کند تا نقش عمده‌تری در خاورمیانه بازی کند، و در عوض دوستی تهران با مسکو راه را برای توسعه پیوندهای تجاری، سیاسی و فرهنگی ایران با آسیای مرکزی هموار می‌کند.

ایران پس از فروپاشی اتحاد شوروی تلاش زیادی در سطح بین‌المللی به عمل آورد تا در کشورهای تازه به استقلال رسیده آسیای مرکزی به موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی دست یابد. اما پس از یک رضامندی اولیه، تهران منطقه را پُر از مسایل امنیتی قابل توجه دید که برای همکاری فرهنگی و اقتصادی جاذبه چندانی نداشت. بنابراین، ایران ناتوان از پُر کردن خلاء توسط خود، حضور روسیه را به عنوان یک توازن در محیطی بحران‌زا تأیید کرده و با مسکو در این راه همکاری نمود. این همکاری راه را برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی پنج ساله در تاجیکستان در ۱۹۹۷ از طریق صلح بین حکومت مورد حمایت مسکو، و اپوزیسیون (مخالف) متحد تاجیک که تحت نفوذ ایران و رهبری اسلامی بود هموار کرد. اخیراً ایران تلاش زیادی در گسترش روابط با حکومت مورد حمایت مسکو در تاجیکستان به عمل آورده که همکاری

همه‌جانبه تاجیکستان از آن جمله‌اند.^(۱۱)

اما ایران و روسیه در مورد مسایل مربوط به وضعیت حقوقی دریای خزر، بخش منابع انرژی آن و مسیرهای خطوط لوله موجود یکسان مواجه نمی‌شوند، این امر می‌تواند مانع روابط بلندمدت آنها گردد. نابرابری پُراهمیت این دو کشور از نظر درگیری در حوزه ژئوپلیتیک نیز سرچشمه قابل توجه تضاد منافع دو همکار یادشده می‌باشد. روسیه یک قدرت عمده با تعهدات بین‌المللی وسیعتری است در حالی که ایران یک قدرت منطقه‌ای می‌باشد. روسیه به مسایل منطقه‌ای از درون ذره‌بین اهداف فرامنطقه‌ای و جهانی خود نگاه می‌کند، و ایران چشم‌انداز جهانی خود را از داخل منافع منطقه‌ای عبور می‌دهد. این تضاد میزان همکاری را محدود می‌کند.

این موضوع اخیراً در واکنش مسکو و تهران در پاسخ به درخواست ایالات متحده برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم پس از ماجرای حمله تروریست‌ها در نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منعکس شده است. روسیه و ایران به این موضوع از منظرگاه‌های مختلفی می‌نگرند. روسیه که با شورش در چین و تهدیدات امنیتی متأثر از طالبان در آسیای مرکزی روبرو است؛ با آفند ضد تروریسمی که توسط ایالات متحده علیه اسامه بن لادن و میزبان‌های طالبانی او در افغانستان هدایت می‌شد همکاری می‌کند. از سوی دیگر ایران به درگیری ایالات متحده در منطقه با دیده سوءظن می‌نگرد و اقدام نظامی ایالات متحده در افغانستان را با وجود مخالفت با حکومت طالبان محکوم کرد.

در بلندمدت، انتظار می‌رود که واقعیت‌های ژئواکونومیکی تأثیر چشمگیری بر روابط دوجانبه و چندجانبه در منطقه داشته باشد. این امر محدوده‌های کمی و کیفی معامله تسلیحاتی روسیه - ایران، همکاری فن‌آورانه و پیوندهای اقتصادی آنان را تعریف می‌کند.

همکاری نظامی و فناوری

از سال ۱۹۸۹ زمانی که جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای بازسازی نیروهای نظامی

خود که بر اثر جنگ ۸ ساله با عراق و تحریم تسلیحات بین‌المللی فلج شده بود به عمل آورد، روسیه منبع اصلی تسلیحات برای ایران شده است. کنکاش ایران برای افزایش ظرفیت نظامی متأثر از تهدیدات واقعی و هم‌جابه‌طلبی‌های آن برای تبدیل شدن به یک قدرت عمده در منطقه است. این کنکاش مستلزم توسعه نیروهای مسلح کارا و مؤثر برای رویارویی با هرگونه تهاجم و ظرفیت بازداشتن تهدیدات عمده از سوی عراق، ایالات متحده، اسرائیل و افغانستان است. اهداف ایدئولوژیک ایران در منطقه، تلاش‌های این کشور را در تقویت حضور دریایی در خلیج فارس و دستیابی به جنگ‌افزارهای پیشرفته‌تر برانگیخت. ایران برای تأمین نیازمندی‌های یاد شده مجبور شد تا جنگ‌افزارها و فن‌آوری نظامی پیشرفته را از خارج وارد کرده و به منظور کاهش اتکای خود به فروشندگان خارجی تسلیحات، پایه صنعتی - نظامی خود در داخل کشور را تقویت کند. مسکو به ایران کمک کرد تا نیروهای متعارف خود را مدرنیزه کند و بنابه ادعا فن‌آوری موشک‌های بالستیک، را در اختیار ایران قرار دهد.^(۱۲)

روسیه همچنین به ایران کمک کرد تا تولید تسلیحات داخلی خود را از طریق تقویت پایه صنعتی - نظامی آن افزایش دهد. تقلا برای خوداتکایی (جهاد خودکفایی) نشانی از استراتژی انقلابی ایران بوده است. علی شمشانی وزیر دفاع ایران، آن را نشانی از «روح خوداتکایی امام^(۱۳)» دانست. یکی از رسالت‌های وزارت دفاع و پشتیبانی ایران ارتقای خوداتکایی بوده است. روسیه بر پایه قرارداد ۱۹۹۱ به ایران کمک کرد تا این کشور توان تولید ۱۰۰۰ تانک تی - ۷۲ و ۱۵۰۰ دستگاه خودرو و نفربر زرهی بی‌ام پی - ۲ پیدا کند. اما به سبب فشار واشنگتن تلاش برای دستیابی به امکانات برای مونتاژ جنگنده‌های میگ - ۲۹ به نتیجه نرسید.

به‌رغم اعلام از سرگیری معامله تسلیحاتی روسیه - ایران، درباره انواع جنگ‌افزارهایی که قرار است معامله شود هنوز گزارشی نرسیده است. لیست نیازمندی‌های ایران اولویت را به تجهیزاتی می‌دهد که بتواند سیستم پدافند هوایی و سیستم دفاع ضد موشکی آن را بالا برده و توانایی عملیاتی و استراتژیک نیروی هوایی را افزایش و نیروی دریایی ایران را از لحاظ رزمایش مؤثر در خلیج فارس ارتقاء دهد.

ایران با ترس از حمله‌های موشکی و حملات هوایی ایالات متحده و اسراییل علیه تأسیسات کلیدی خود، از جمله پایگاه موشک‌های بالستیکی، نیروگاه‌های انرژی هسته‌ای و تأسیسات مرتبط با جنگ‌افزارهای پیشرفته برای پدافند هوایی خود اهمیتی حیاتی قایل است. نگرانی دیگر تهران حمله‌های موشکی از کشورهای همسایه خود عراق و افغانستان است. در نتیجه، ایران به شدت علاقمند به دستیابی موشک‌های زمین به هوای اس - ۳۰۰ ام پی یو^(۱۴) و سیستم‌های ضد موشکی تور - ۱^(۱۵) و طیف وسیعی از دیگر موشک‌های زمین به هوا (سام) می‌باشد. اقلام دیگری که ایران به دنبال دستیابی به آنها است شامل ۲۵ فروند بال گرد ام آی - ۱۷، یک هزار قبضه موشک پدافند هوایی ایگلا - ۱ ای که از روی شانه تیراندازی می‌کند، تعدادی موشک‌های زمین به هوا و رادار مراقبت هوایی است.^(۱۶) طبق گزارشات، ایران همچنین علاقمند به کسب مجوز در ساخت میگ - ۲۹ و زیردریایی کیلو (که امکانات داخلی ضعیفی دارد)، مین‌های پیشرفته دریایی، اژدرافکن و آخرین مدل‌های تانک تی - ۹۰ و تی - ۷۲ می‌باشد. در سفر اخیر آقای خاتمی به روسیه در سال جدید، به هیأت ایرانی نمایشگاهی از موشک‌های ضد هوایی تور - ۱ ارائه شد. علاوه بر آن ایران برای ارتقا پوشش پدافند هوایی خود علاقمند به جنگنده رهگیر سوخوی - ۲۷ بوده و به منظور افزایش قدرت ضربتی نیروی هوایی عملیاتی و تاکتیکی خود خواستار جنگنده میگ - ۲۹ و هواپیمای ضد سطحی سوخوی - ۲۵ بیشتری است.

مدرنیزه کردن نیروی دریایی اولویت بالای دیگر سیاست دفاعی ایران است. ناوگان خلیج فارس ایران می‌تواند نقش مؤثری در ایفای هدف تهران در کنترل تنگه هرمز بازی کند. نیروی دریایی ایران از زمان جنگ خلیج فارس تا حدی در واکنش به استقرار نیروهای ایالات متحده در این منطقه ابراز وجود بیشتری کرده است. ایران سالانه در حدود ۴۰ تمرین و رزمایش دریایی در خلیج فارس انجام می‌دهد. با این حال احتمالاً نیروی دریایی ایران در میان سایر نیروهای مسلح کشور پیشرفته نیست. نیروی دریایی از کمبود پوشش هوایی کافی و امکانات شناسایی هوایی در رنج است.^(۱۷) گرچه ایران تنها کشوری است که از میان کشورهای خلیج فارس دارای زیردریایی است، مأموریت هر سه زیردریایی ساخت روسیه این کشور محدود به

مین‌گذاری در آبهای بی‌دفاع است. در اثنای دیدار آقای خاتمی از مسکو در مارس ۲۰۰۱، مقامات روسیه گفتند، که به‌رغم مخالفت‌های ایالات متحده^(۱۸)، روسیه مایل به فروش زیردریایی‌های دیزلی بیشتر به ایران است.^(۱۹)

درحالی‌که واشنگتن ممکن است به تلاش ایران در ارتقای تجهیزات نظامی خود برای نیروهای زمینی اهمیتی ندهد، اما این کشور قویاً با هرگونه افزایش توانمندی قدرت موشکی و دریایی که ایران را در بکارگیری نیرو در خارج از مرزهای خود یاری دهد مخالف است. روسیه اظهار داشته است که این کشور تنها هرگونه جنگ‌افزار «پدافندی» که ناقض توافقنامه‌های بین‌المللی نبوده و هماهنگ با پیمانهای منع گسترش فن‌آوری‌های موشکی و هسته‌ای باشد در اختیار می‌گذارد. اما حتی بعضی از جنگ‌افزارهای «پدافندی» می‌توانند موجب ایجاد نگرانی در کشورهای همسایه در خلیج فارس باشند، زیرا پدافند در پاره‌ای از زمینه‌های عملیاتی می‌تواند یک قدرت «حفاظت شده» را تشویق به درگیری در عملیات آفندی کند. برای مثال، گسترش سیستم موشکی زمین به هوای اس - ۳۰۰ در پیرامون تنگه هرمز به توانمندی‌های دفاعی ایران بیفزاید.

قابل توجه است که نگرانی مسکو از هدف ایالات متحده در ایجاد سپر دفاعی ملی، که خود یک سیستم پدافندی است. بر پایه ترسی است که این سپر ممکن است حمله‌های موشکی ایالات متحده را تشجیع‌کننده سپر دفاعی ضد موشکی از نگاه روسیه تخطی از پیمان موشکی ضد - بالستیکی (آ - بی - ام) ۱۹۷۲ می‌باشد. این پیمان از طریق کاهش چتر حفاظتی در مقابل حمله‌های تلافی‌جویانه، حملات موشکی را مانع می‌شود.^(۲۰)

انتقال عملی تسلیحات بستگی خواهد داشت به توجه هرچه بیشتر روسیه به نگرانی‌های ایالات متحده و دوستان آن کشور در منطقه، و مضافاً به قدرت خرید ایران، واشنگتن به مسکو اخطار کرده است، که با سرمایه‌گذاری در یک همگرایی کوتاه‌مدت با ایران، منافع درازمدت خود را به خطر نیندازد. واشنگتن اخطار کرده است که فروش جنگ‌افزارهای پیشرفته به ایران گامی خطرناک برای روسیه خواهد بود و منتج به این خواهد شد که مسکو از آنچه از

فروش چنین تسلیحاتی به تهران به دست می‌آورد هزینه بیشتری خواهد پرداخت.^(۲۱) منابع مطلع در ایران می‌گویند که معامله تسلیحات به مراتب کمتر از آن چه ایران خواهان آن است می‌باشد. این منابع اظهار می‌دارند که احتمال نمی‌رود که روسیه توافق کند که به ایران سیستم‌هایی بدهد که منافع ایالات متحده و دوستان آن کشور در خلیج فارس را تهدید کند و یا موجب خشم واشنگتن شود.^(۲۲) در عوض، روسیه موشک‌های زمین به هوای کوتاه برد تر تور - ۱ خواهد فروخت. یکی از اعضای هیأت ایرانی اعلام کرد که تمایل روسیه در فروش کمتر از حد نیاز ایران است، که بر فن آوری موشک‌های پیشرفته و انتقال سیستم‌های مدرن بجای تجهیزات قدیمی که احتمالاً نظر مسکو بر آن است تأکید می‌ورزد.^(۲۳)

حوزه بحث برانگیز دیگر همکاری ایران - روسیه کمک مسکو در ساختن نیروگاه هسته‌ای غیرنظامی ایران در بوشهر است. تهران برنامه نیروگاه هسته‌ای معوقه که در زمان شاه در دهه ۱۹۷۰ قرار بود به کمک آلمان راه‌اندازی شود را دوباره احیاء کرد. با این حال تلاش‌های مداوم ایران در دستیابی به مواد و تجهیزات لازم برای برنامه هسته‌ای خود، با موانعی روبرو شد و این کشور نتوانست سیستم قدرت هسته‌ای خود را بسازد. این برنامه در سال ۱۹۹۵ زمانی که روسیه یک قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری برای تأسیس یک رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی در بوشهر امضاء کرد، به اوج خود رسید. اما فشار ایالات متحده موجب تأخیرهای پیاپی در اجرای پروژه شد. روسیه اخیراً قول داده است که به ایران در تکمیل نیروگاه هسته‌ای که مدت‌هاست تحت اقدام می‌باشد تا پایان سال ۲۰۰۳ کمک کند.^(۲۴)

ایالات متحده مدعی است که ایران از لحاظ انرژی غنی است و نیاز کمی به ظرفیت مولد هسته‌ای دارد و این که رآکتور می‌تواند برای برنامه جنگ افزارهای هسته‌ای مخفی یا غیرمشروع ایران به کار گرفته شود.^(۲۵) اما مسکو بر این ادعا است که رآکتور یاد شده ماهیتی غیرنظامی داشته و تحت کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (آی - آ - ای - آ) قرار دارد. وزیر انرژی اتمی روسیه در این باره می‌گوید این معامله بخشی از دادوستد تجاری بلندمدت ایران و روسیه می‌باشد.^(۲۶) روسیه پیش‌بینی می‌کند که این کشور دست کم سه نیروگاه هسته‌ای برای سکوی

بوشهر و دو نیروگاه زغال سنگی برای تأسیسات مکانهای دیگر به فروش برساند.^(۲۷) تأسیسات چند نیروگاهی به نحوی فزاینده برای ایالات متحده و نظارت بین‌المللی این امر را بسیار مشکل می‌کند که معلوم کنند آیا این تأسیسات برای توسعه جنگ‌افزار مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر. واشنگتن می‌تواند تحریم‌هایی برای شرکت‌ها یا حتی دولت روسیه در مورد همکاری هسته‌ای با ایران قایل شود. در ۱۹۹۹ اقدامات تنبیهی علیه هفت شرکت و سه مؤسسه روسی جهت کمک‌های احتمالی به ایران در توسعه فن‌آوری هسته‌ای به عمل آمد. پوتین رییس‌جمهور روسیه پذیرفت که همهٔ ساختارها و بنیادها حداکثر تلاش خود را در کنترل شدید صادرات به کار نمی‌گیرند.^(۲۸)

ایران یکی از امضاکنندگان معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای است، «دولت روسیه و اقمار آن دولت همواره منابع مهم فناوری و مواد هسته‌ای برای ایران تا زمانی که پول در آنجا بوده و مسکو این معامله را از لحاظ سیاسی پُرخطر نمی‌داند خواهند بود. این برنامه در اواسط دهه ۱۹۸۰ در واکنش به استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ با ایران به اجرا درآمد. کمک‌های مشابهی از سوی روسیه در توسعه امکانات تولید موشکی ایران به عمل آمده است.

ایران موشکهای گوناگون وارداتی و ساخت داخلی در اختیار دارد. برنامه موشکی این کشور نیز بر اثر نیاز مبرم در جنگ با عراق توسعه یافت. جنگ موشکی بین دو کشور همسایه در جنگ به اصطلاح «جنگ شهرها» در ۱۹۸۸ تصاعد پیدا کرد.^(۲۹) ایران به عنوان یک عنصر کلیدی بازدارندگی، برنامه موشکی خود را پس از جنگ به کمک کره شمالی، چین و روسیه گسترش داده و اکنون این کشور انواع مختلفی از موشکهای کوتاه‌برد تا میان‌برد تولید می‌کند. تهران از این موشکهای بالستیک در تقویت موقعیت سیاسی خود و همچنین به عنوان ابزار فزاینده نیرو استفاده می‌کند. حمله موشکی انبوه ایران در آوریل ۲۰۰۱ علیه پایگاههای «مجاهدین خلق» در عراق که گروهی مسلح و مخالف ایران با پشتیبانی بغداد هستند همسایگان ایران در خلیج فارس را شگفت زده کرد. تعداد موشکهایی که در این عملیات به کار برده شد

تقریباً نیمی از تعداد موشک‌هایی بود که تهران در تمام طول جنگ با عراق به کار گرفت. گفته می‌شود که ایران برای شلیک ۶۶ موشک کوتاه برد و میان برد در یک زمان کوتاه از ۱۷ سکوی پرتاب استفاده کرد. که خود نشانه‌ای از برتری ایران در تولید موشک نسبت به رقیب خود عراق است. (۳۰)

ایران در ۳۱ ماه مه ۲۰۰۱ اولین موشک زمین به زمین ساخت داخلی، با سوخت جامد خود (فتح ۱۱۰)، طی یک برنامه جنگ افزاری که نگرانی ایالات متحده و اسرائیل را برانگیخت به‌طور آزمایشی شلیک کرد. (۳۱) این شلیک به دنبال آزمایش موشک شهاب - ۳ با بردی در حدود ۱۳۰۰ کیلومتر در سال گذشته صورت گرفت. اگرچه شمخانی وزیر دفاع ایران تأکید نمود که ایران به دنبال افزایش توانایی موشکی خود در حدی بیش از موشک شهاب - ۳ نیست و برد بیشتری را تعقیب نمی‌کند (۳۲) اما گزارشات رسیده حاکی از آن است که تهران در حال حاضر مشغول کارکردن روی موشک شهاب - ۴ است که مبتنی بر موشک اس‌اس - ۴ روسیه با برد ۲۰۰۰ کیلومتر است که ادعا می‌شود دستگاهی با امکان پرتاب ماهواره‌ای است. علاوه بر آن اعتقاد بر این است که ایران ممکن است موشک شهاب - ۵ هم تولید کند که یک موشک (آی - سی - بی - ام) با بردی در حدود ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کیلومتر است. موشک‌های ایران می‌تواند به مراکز پُرجمعیت و عمده در اسرائیل، ترکیه، عراق، عربستان سعودی و همچنین کشورهای کوچکتر عرب در خلیج فارس برسد. (۳۳)

روسیه عضو یک رژیم ۳۳ کشوری «کنترل فن‌آوری موشکی» (ام - تی - سی - آر) می‌باشد که یکی از ترتیبات غیررسمی کنترل صادرات است و هدف آن جلوگیری از گسترش و پخش موشک‌های بالستیک و کروز است که قادر به اجرای آتش پرتابی‌های ۵۰۰ کیلوگرمی در مسافت ۳۰۰ کیلومتر یا بیشتر باشند. (۳۴) طبق این توافقنامه محرومیتی توسط این رژیم پیش‌بینی نشده، اما قوانین ایالات متحده اجازه اعمال این تحریم‌ها علیه ناقضین پیمان را می‌دهد. ایالات متحده در ۹-۱۹۹۸ علیه هشت مؤسسه روسی که بنا به ادعا به برنامه موشکی ایران کمک کرده بودند تحریم اعمال کرده گرچه تعهدات بین‌المللی مسکو به‌طور چشمگیری کمک این کشور به

برنامه‌های موشکی ایران را محدود می‌کند، اما احتمال می‌رود که شرکت‌های کوچکتر به کمک خود به ایران ادامه دهند.

منابع انرژی دریای خزر

وضعیت حقوقی دریای خزر و منابع انرژی زیرآبهای آن مدت مدیدی موضوع مورد مناقشه در روابط ایران و روسیه بوده است. هر دو کشور در موضوعات مختلف توافق ندارند و علاقه چندانی در سرعت بخشیدن به حل این مسایل نشان نداده‌اند. پیمان ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ شوروی - ایران که حمل‌ونقل و ماهیگیری آزاد در دریای خزر را فراهم می‌کند تحت تأثیر واقعیات تازه قدیمی شده است. ظهور سه کشور تازه استقلال یافته - قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان که با ایران و روسیه در دریا، کشف و تولید ذخیره‌های عمده انرژی در بستر دریا و مسایل محیط زیست شریک هستند، نیاز به تعریف دوباره‌ای از وضعیت حقوقی خزر دارند. رقابت بین‌المللی در حمل‌ونقل نفت و گاز از کشورهای تولیدکننده و محصور در خشکی به بازارهای بین‌المللی و سیاست جغرافیایی در حال تغییر در منطقه به این پیچیدگی وضعیت کمک کرده است.

ایران و روسیه کمتر از یک سوم ساحل خزر را در اختیار دارند^(۳۵) و کمترین بخشهای اکتشاف شده دریا را کنترل می‌کنند. سه کشور ساحلی دیگر به‌طور فعال در حال تولید و صدور نفت و گاز از بخشهای مربوط به خودشان هستند. اما ایران و روسیه تنها اعضای این گروه هستند که می‌توانند مسیرهای حمل و نقل انرژی را به‌طور مستقیم به بازارهای بین‌المللی ایجاد کنند. علاقه این دو کشور به مسیرهای صادرات و رقابت با شرکت‌های بزرگ خطوط لوله خارج از منطقه، عوامل کلیدی در سیاست‌های خزری آنها بوده است. از سوی دیگر، مسکو و تهران همچنانکه دستاوردهای اقتصادی از طریق دو خط لوله‌ای که از خاک روسیه عبور می‌کند نظر مسکو را تغییر داد، بتدریج نسبت به آینده دریا اختلاف نظر پیدا می‌کنند. اخیراً ایران و روسیه بر سر دو مسأله عمده اختلاف نظر پیدا کرده‌اند: معیاری برای توزیع منابع بستر خزر و وضعیت حقوقی

آب دریا و سطح آن، مسکو اعتقاد دارد که بستر دریا باید بین پنج کشور ساحلی طبق خط میانی تقسیم گردد. روسیه به این توافق به بهانه توافقنامه این کشور با قزاقستان در ژوئن ۱۹۹۸ و با آذربایجان در ژانویه ۲۰۰۱ بر سر توزیع ثروتهای موجود در بستر دریا چسبیده است. ایران، از سوی دیگر با توزیع ۲۰ درصد به طور مساوی برای هر یک از کشورهای ساحلی موافق است. علاوه بر آن هر دو کشور بر سر وضعیت آب خزر اختلاف نظر دارند، در حالی که روسیه فشار می آورد که آب سطحی به صورت مالکیت مشاع در نظر گرفته شود، ایران اصرار می ورزد که در صورت تقسیم، هم بستر دریا و هم آب سطحی به نسبت تقسیم گردد. مخالفت ایران با استفاده مشترک از سطح دریا ریشه در دلواپسی این کشور از حرکت آزاد کشتی های جنگی روسیه تا ساحل ایران دارد. ایران با غیرنظامی کردن دریا موافق است. اختلافات فی مابین موقعی حالت جدی پیدا کرد که قایق توپدار ایران در ژوئیه ۲۰۰۱، به رغم عدم تمایل روسیه، یک کشتی اکتشاف نفت تحت حمایت آذربایجان را مجبور به عقب نشینی از آبهای مورد ادعای تهران و باکو کرد. این اولین باری بود که ایران متشبهت به تهدید در استفاده از زور در پشتیبانی از ادعای سرزمینی در دریای خزر شد. ضمناً، ایران و روسیه قویاً مخالف خط لوله باکو - جیهان هستند که مورد حمایت ایالات متحده بوده و قرار است نفت آذربایجان را به بندر جیهان ترکیه واقع در مدیترانه از طریق گرجستان حمل کند. ایجاد یک خط لوله ماورای خزر قرار است مسیر صادراتی را به ذخایر نفتی ترکمنستان و قزاقستان متصل کند. هدف این پروژه شکستن کنترل انحصاری روسیه بر مسیرهای صادرات و نادیده گرفتن مسیر ایران به عنوان یک مسیر جایگزین است. در ضمن روسیه و ایران البته خیلی آرام در بعضی مسایل مربوط به مسیرهای صادراتی با یکدیگر رقابت می کنند. مسکو با دالان صادراتی شرقی - غربی مورد پشتیبانی ایالات متحده مخالف است اما با مسیر ایران به عنوان یک مسیر جایگزین موافق نیست. ایران امیدوار است که نیازهای تغییر یافته بازار بر محدودیت های سیاسی تحمیل شده بر مسیرهای نفتی فایق می آیند. در حالی که ایران خود را از لحاظ سیاسی در رقابت خط لوله خزر فاقد مزیت می بیند، اما تأکید آن بر اقتصادی بودن موقعیت خود است و فرض آن چنین است که در درازمدت کارآیی اقتصادی

تعیین‌کننده مسیرهای اصلی خط لوله خواهند بود.

روسیه و ایران در حین دیدار آقای خاتمی از روسیه نتوانستند اختلافات خود را حل کنند. مخالفت مشترک آنها در زمینه‌های محیط زیستی در مورد احداث خطوط لوله نفت و گاز در دریای خزر آشکارا با هدف بی‌ارزش کردن خط لوله باکو - جیهان که تحت حمایت آمریکا صورت می‌گیرد می‌باشد. با این حال بیانیه مشترک هر دو کشور، که در آن هم شناسایی رسمی مرزهای خزر را تا توافق نهایی کشورهای منطقه مردود می‌شناسد، موجب شد که زنگ خطر در باکو و آستانه به صدا درآید. این موضوع، توافقات دوجانبه موجود روسیه با آذربایجان و قزاقستان را بی‌ثبات کرد.

به‌رغم تلاش‌های دیپلماتیک مسکو برای روشن کردن سردرگمی‌ها، دیدار سران کشورهای ساحلی خزر در مارس ۲۰۰۱ تا تاریخ نامعینی به تعویق افتاد. این تأخیر از سوی بعضی صاحب‌نظران منطقه به عنوان یک تاکتیک به دفع وقت‌گذرانی توسط ایران و روسیه به‌منظور پشت در نگهداشتن نفوذ ایالات متحده در منطقه دیده می‌شود.

چشم‌انداز

روسیه و ایران باید به همکاری استراتژیک خود در آینده‌ای قابل پیش‌بینی ادامه دهند. این همکاری نه تنها به اهداف سیاست خارجی هر دو کشور کمک می‌کند، بلکه امنیت داخلی آنها را هم بهبود بخشیده و موجب افزایش ثبات منطقه خواهد شد. این رابطه که برای روسیه و ایران اهمیت دارد، احتمالاً در اثر تهدید تحریم‌های واشنگتن آسیبی نخواهد دید. هر دو کشور اطمینان حاصل خواهند کرد که اختلافات آنان بر تداوم همگرایی منطقه‌ای آنها اثری نخواهد گذاشت. مسکو و تهران بتازگی از مشاجره بر سر وضعیت حقوقی دریای خزر و تقسیم منابع انرژی آن با به تعویق انداختن دیدار سران کشورهای ساحلی اجتناب ورزیدند. ایران در اقدام مشابهی، به‌طور آشکار نسبت به جنگ سؤال برانگیز روسیه در چچن سکوت اختیار کرده است. به هر حال، این همکاری ممکن است تغییرات عمده سیاسی و استراتژیک در منطقه و آن

سوی منطقه برجای نگذارد. عوامل زیادی می‌توانند به تغییر کمک کنند، از جمله سیاست‌های داخلی، تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای، رابطه ایران و روسیه با ایالات متحده و مسایل اقتصادی. سیاست داخلی به‌طور آشکار بر توسعه همکاری گسترده‌تر روسیه با ایران تأثیر گذاشته است. حامیان یک سیاست خارجی قدرتمند که اخیراً بر سیاست روسیه تسلط دارند بر پیوندهای نزدیکتر با ایران، هند و چین تکیه می‌کنند تا بدین وسیله با نفوذ ایالات متحده مقابله کرده و یک نظم جهانی چندقطبی ایجاد کنند. این دیدگاه زمانی که یک هیأت پارلمانی روسیه به رهبری پریماکف از ایران در آوریل ۲۰۰۱ دیدن کرد مورد تأکید قرار گرفت.^(۳۶) پیام مشابهی در حین دیدار هیأتی از دوما در فوریه از ایران که در رأس آن ولادیمیر ژیرینوفسکی ملی‌گرای معروف بود شنیده شد.

در ضمن، نگرانی‌های قابل توجهی در داخل روسیه درباره‌ی پاره‌ای از جنبه‌های همکاری روسیه با ایران که می‌تواند منافع حیاتی روسیه در رابطه با ایالات متحده را به خطر اندازد بوده است. همین نگرانی‌ها درباره‌ی احتمال استفاده فن‌آوری‌های ساخت روسیه توسط ایران، علیه خود روسیه در آینده به‌زبان آمده است.^(۳۷) به همین صورت، در ایران گزینه‌های سیاست خارجی کاملاً به تقی‌المدام قدرت بین جنبش‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب ارتباط دارد. محافظه‌کاران مخالفت با ایالات متحده را به صورت اصلی راهنما برای انقلاب ایران می‌دانند، در حالی که اصلاح‌طلبان ایجاد رابطه با غرب را برای تنوع بخشیدن به اهداف سیاست خارجی ایران لازم می‌بینند. کسانی هم هستند که از این می‌ترسند که ممکن است مسکو از «کارت» ایران برای کسب امتیاز از واشنگتن همچنانکه در گذشته هم این کار را کرده است سوءاستفاده نماید.^(۳۸) تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه، به‌ویژه آنهایی که به درگیری اسرائیل - فلسطین مرتبط است، می‌تواند به همکاری روسیه - ایران تأثیر بگذارد. مخالفت ایران با فرآیند صلح خاورمیانه که مورد پشتیبانی آمریکا است، هم علت و هم پیامد دشمنی با ایالات متحده است. ایران هم از احساسات ضداسرائیلی و بدنام بودن پشتیبانی آمریکا از این کشور یهودی‌نشین بهره‌برداری می‌کند تا بتواند بر اعتبار خود برای دستیابی به رهبری اسلام در منطقه بیفزاید. حالت

«خراب‌کنندگی» آن هم متأثر از دلایل و علتهای فرصت‌طلبی و هم ایدئولوژیکی است. یک رخنه وسیع در فرآیند صلح، پافشاری داخلی که رژیم را مجبور به معتدل کردن موقعیت خود کند، می‌تواند موجب تغییراتی در رابطه ایران با واشنگتن و مسکو شود. بازگرداندن صلح و ثبات در افغانستان هم می‌تواند منتهی به ایجاد تغییراتی در عملیات استراتژیک ایران - مسکو گردد. چنانچه تهدیدات امنیتی که از افغانستان به کشورهای همسایه سرازیر می‌شد از بین برود درگیری‌های موجود در منافع روسیه - ایران می‌تواند به رقابت اقتصادی و سیاسی بین آنان تبدیل گردد.

تغییرات عمده در روابط ایران و روسیه با ایالات متحده ممکن است تغییرات قابل توجهی در پیوندهای مسکو - تهران ایجاد کند. برقراری روابط حسنه بین ایران و آمریکا می‌تواند همکاری نزدیک ایران با روسیه را از جذابیت خارج کند. این همگرایی همچنین ممکن است در نتیجه یک همکاری وسیعتر بین مسکو و واشنگتن جذابیت خود را از دست بدهد. همچنانکه دیدگاههای جغرافیایی و مفهومی جنگ علیه تروریسم گسترده‌تر می‌شوند، مسکو و تهران می‌توانند رویکردها و نگرش‌های متباینی در تعریف تروریسم و جنگیدن با آن اتخاذ کنند و این می‌تواند به‌طور جدی بر پیوندهای همه‌جانبه روسیه - ایران اثر بگذارد.

سرانجام این که انتظار می‌رود، مسایل مربوط به اقتصاد داخلی و بین‌المللی بر همکاری روسیه - ایران اثر بگذارند. بتازگی مبادله قابل توجه تجاری بین دو کشور صورت نگرفته ارزش معاملات بین ایران - روسیه در سال گذشته بالغ بر یک میلیارد دلار شد.^(۳۹) که این مبلغ تقریباً کمتر از نصف تجارت با اتحادیه اروپا و حتی کمتر از مبادله تجاری با ترکیه است.^(۴۰) تا زمانی که معاملات دوجانبه به‌طور چشمگیری در آینده گسترش پیدا نکرده، همگرایی روسیه - ایران در رویارویی با شرایط تغییر یافته خارجی نمی‌تواند ایستادگی کند. عامل کلیدی این است که ایران و روسیه تحت فشار جهانی شدن و وابستگی‌های متقابل فزاینده اقتصاد خود را تغییر شکل داده و توجیهات سیاسی خویش را شکل تازه‌ای بدهند. همکاری‌های منطقه‌ای بیشتر ممکن است تحت تأثیر منافع ژئو-اکنومیک قرار گیرد تا منافع ژئوپلیتیکی. رقابت تهران - مسکو در انتقال

منابع انرژی خزر که روزی به عنوان سایر دلایل «استراتژیک» به حساب می‌آید، اکنون سرچشمه عمده درگیری در تضعیف همگرایی قرار گیرد. این امر از آن جهت حایز اهمیت است که هر دو کشور در بازار انرژی سهمیم هستند.

جهانی شدن به عنوان مهمترین نیروی رانش در سیاست بین‌المللی به راه خود ادامه خواهد داد. اشتیاق روسیه برای کسب برتری ممکن است بر اثر منابع کاهش یافته آن دچار مشکل شود. روسیه با چالش‌های متعدد اقتصادی روبرو است و یک روسیه همراه با جاه‌طلبی‌های دورودراز توان کافی برای دستیابی مجدد به جایگاه گذشته را ندارد، در حالی که یک روسیه اصلاح شده تمنایی برای کسب چنین موقعیتی نخواهد داشت. از سوی دیگر، قطع ارتباط ایران با اقتصاد جهان در حال حاضر، که جدایی این کشور با غرب را بیشتر می‌کند، ممکن است تغییر کند، و نزدیکی بیش از حد ایران با روسیه زورمند مثل قرار گرفتن در بغل خرس است که مسلماً همراه با آسودگی خیال نخواهد بود. رکود اقتصادی احتمالاً جدی‌ترین چالشی است که ایران امروز با آن روبرو است. فشار برای تغییرات اقتصادی کشور را وادار خواهد کرد تا برای خروج از انزوای و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ سیاسی تغییر پیدا کند و این امر مستلزم آن است که ایران سیاست آینده خود در مورد رشد ملی را بر پایه منافع مثبت در عوض منافع منفی بسازد که در حال حاضر استخوان‌بندی همکاری با روسیه را چنین سیاستی تشکیل می‌دهد.

یادداشت‌ها

۱. واشنگتن پست، سوم اکتبر ۲۰۰۱، صفحه ۲۸ آ - «ایران و روسیه به توافق در مورد فروش تسلیحات متعارف می‌رسند» - نوشته شارون لافرانیر.
۲. دکترین نظامی روسیه که در ۲۱ آوریل ۲۰۰۰ به امضای ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه رسید می‌گوید «تلاش برای نادیده گرفتن منافع روسیه در حل مسایل امنیت بین‌المللی و مخالفت با قدرتمند شدن آن به عنوان یک کانون تأثیرگذار در جهان چندقطبی، به صورت یک تهدید خارجی اصلی علیه روسیه تلقی می‌شود. دکترین نظامی روسیه، ۲۲ آوریل ۲۰۰۰، نژاوسیمایاگازتا.
۳. ولادیمیر ماکسیمنکو، «نبرد علیه اوراسیا»، ۲۴ آوریل ۲۰۰۰.

۴. جغرافیدان انگلیسی سرهالفورد مکیندر (۱۹۴۷-۱۸۶۱) اولین بار نظریه ژئوپلتیک برتری زمینی را مطرح کرد. او تأکید می‌کرد که قدرتی که بتواند منطقه «هارتلند» اوراسیایی روسیه در اختیار داشته باشد می‌تواند موقعیت برتر داشته و این سلطه را بر «جزیره جهانی» که شامل اوراسیا و آفریقا است اعمال کند. این نظریه بر چشم‌انداز استراتژیک غرب را در طول جنگ دوم جهانی تأثیر گذاشت.
۵. به‌رغم نظریه مکیندر، پروفیسور آمریکایی به نام نیکلا اسپایکمن (۱۹۴۳-۱۸۹۳) منطقه «ریملند» را مطرح کرد که یک منطقه بزرگ حایل بین دریا و قدرت زمینی است. این نظریه الهام‌بخش «مهار استراتژیک» اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طریق همگرایی نظامی گردید.
۶. جیلورابین، «هارتلند شوروی سابق» مجله پارامتر، تابستان ۲۰۰۰، صص ۷۱-۵۸.
۷. میخائیل خدارنک - ۱۸ آوریل ۲۰۰۱، بی‌بی‌سی، ۲۰ آوریل ۲۰۰۱.
۸. این طرح در پایان اجلاس سران کشورهای تازه استقلال یافته در مورد پیمان امنیتی دستجمعی در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۰ در بیشکک قرقیزستان مطرح شد.
۹. سخنرانی سالانه ولادیمیر پوتین در مجمع فدرال، ۳ آوریل ۲۰۰۱.
۱۰. دکترین نظامی روسیه.
۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، تهران، ۹ مارس ۲۰۰۱، به زبان فارسی.
۱۲. در دهه گذشته روسیه تحت قراردادهای مختلف ۱۲ فروند سوخو - ۲۴ و ۲۴ میگ - ۲۹ دو سیستم موشک زمین به هوای اس - ۳۰۰ ارتفاع پست تا بالا، سه زیردریایی کیلوکلاس (نوع ۸۷۷ ای - کا - ام)، همراه با اژدرافکن‌ها و مین‌های دریایی پیشرفته، ۴۲۲ تانک تی - ۷۲ و ۴۱۳ بی‌ام‌پی - ۲، و موشک‌های زمین به هوای سام - ۵ و سام - ۶ تحویل داده است.
۱۳. نیوزلین - یو - اس - آ، ۱۳ فوریه ۲۰۰۱، اینترنت.
۱۴. اس - ۳۰۰ ام پی یو (اس آ - ۱۰ جی گرامیل یک سیستم ارتفاع پست تا بلند، با بُرد بلند است. کار آن حفاظت شهرها و تأسیسات صنعتی از حملات هوایی است. این سیستم می‌تواند همزمان ۶ موشک کروز و یا هواپیما را ردیابی و منهدم نماید.
۱۵. تور - ۱ (اس آ - ۱۵ گانتلت) یک سیستم متحرک، با بُرد کوتاه و ارتفاع پست تا متوسط است که می‌تواند هواپیما، موشک کروز، و موشک‌های هدایت شونده دقیق دشمن را منهدم کنند.
۱۶. میخائیل ایزنشتاد، «انتقال تسلیحات و تکنولوژی روسیه به ایران»، مارس ۲۰۰۱، جیتز دیفنس، ۲۱ مارس، ۲۰۰۱.
۱۷. نشریه «گزارش ایران»، ۱۹ مارس ۲۰۰۱.
۱۸. زیردریایی - کیلوکلاس (۸۷۷ ای - و - ۸۷۷ ای کام) که ایران با تجهیزات پیشرفته خرید در آب‌های کم‌عمق قابلیت مانور خوبی دارد و می‌تواند ۱۸ اژدرافکن ۵۳۳ میلیمتری را حمل کند. تعداد ملاحان آن ۵۲ نفر است.
۱۹. رویتر، ۱۳ مارس، ۲۰۰۱.

۲۰. پیمان بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مورد محدودیت سیستم‌های موشک ضد بالستیک.
۲۱. فرانس پرس، واشنگتن، ۱۴ مارس ۲۰۰۱.
۲۲. روزنامه همبستگی، ایران، ۱۳ مارس ۲۰۰۱.
۲۳. خبرگزاری آلمان، مسکو، ۱۴ مارس ۲۰۰۱.
۲۴. ایترفاکس، ۱۵ مارس ۲۰۰۱.
۲۵. ایترتاس، ۲۱ فوریه ۲۰۰۱.
۲۶. ایترفاکس، از طریق بی‌بی‌سی، ۴ آوریل ۲۰۰۱.
۲۷. پاتریک - ای تایلور «روسیه در جستجوی نقش‌های تازه در دیپلماسی و بازرگانی»، نیویورک تایمز، ۶ آوریل ۲۰۰۱.
۲۸. آ - اف - پی، مسکو، ۲۲ فوریه ۲۰۰۱.
۲۹. ایران تعداد ۷۷ موشک اسکاد در سال ۱۹۸۸ در یک فاصله زمانی ۵۲ روزه و در حدود ۴۰ موشک دیگر در سه سال گذشته شلیک کرد. آنتونی کردزمن «روند نظامی در ایران» - ۱۹۹۸.
۳۰. منل، نیکوزیا، ۲۴ آوریل ۲۰۰۱.
۳۱. ایونا، تهران، زبان انگلیسی، ۳۱ مه ۲۰۰۱.
۳۲. آ.اف.بی، تهران، ۲۱ فوریه ۲۰۰۱.
۳۳. ایزنشتاد و گوردزمن، ص ۴۰.
۳۴. رژیم کنترل فن‌آوری موشک که در ۱۶ آوریل ۱۹۸۷ مورد قبول قرار گرفت و در ژانویه ۱۹۹۳ تجدید شد.
۳۵. ایران ۱۴ درصد و روسیه ۱۶ درصد خط ساحلی خزر را در اختیار دارند. سهم قزاقستان ۲۹ درصد، آذربایجان ۲۱ درصد و ترکمنستان ۲۰ درصد ساحل دریا می‌باشد.
۳۶. ایونا، «رابطه ایران - روسیه»، تهران، زبان انگلیسی، ۲۹ آوریل ۲۰۰۱.
۳۷. مثلاً، آلکسی آریاتف معاون کمیته دفاعی دوما اخیراً چنین اخطاری را اعلام کرد منل، مسکو، ۱۴ مارس ۲۰۰۱.
۳۸. این نگرانی در یک بحث سیاسی که توسط مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران از طریق تلویزیون ایران پخش می‌شد اظهار شد. «مسکو از تهران به صورت یک تک‌خال (آس) برای کسب امتیاز از ایالات متحده آمریکا استفاده می‌کند». بی‌بی‌سی ۲۹ آوریل ۲۰۰۱، ساعت ۱۱ گرینویچ.
۳۹. طبق گزارشهای رسیده در سال ۲۰۰۰ به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار بوده. خبرگزاری آلمان، مسکو، ۱۴ مارس ۲۰۰۱.
۴۰. تجارت دوجانبه ایران با اتحادیه اروپا ۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ و با ترکیه ۱/۰۴ میلیارد دلار در همان سال بوده است. ایونا، تهران، ۲۸ مارس ۲۰۰۱ و سرویس خبری آسیا پالس، آنکارا، ۶ مارس ۲۰۰۱.